

طبقه متوسط بر این باورند که ثروتمندان باید از فقرا حمایت کنند... ثروتمندان به خوداتکایی اعتقاد دارند

از آنجایی که طبقه متوسط بر این باورند که برخی از طریق شانس، پول بادآورده یا مزیت اجتماعی میلیونر می شوند، معتقدند این عادلانه است که ثروتمندان پول خود را بین کسانی که پول کمتری دارند پخش کنند. این فلسفه سوسیالیستی ریشه در این باور دارد که هرکس نگهبان برادرش است. ثروتمندان معتقدند که هر شهروند در اقتصاد بازار آزاد فرصت میلیونر شدن را دارد. آنها معتقدند ثروتمند شدن یک انتخاب است. در حالی که افراد ثروتمند بیشترین چیزی را برای دادن دارند و خیریه ترین افراد روی کره زمین هستند، آنها به خاطر بخشش پول می دهند و نه به خاطر قوانین اخلاقی یا فشار اجتماعی. آنها بر این باورند که دادن پاداش های دریافت نشده به مردم، رضایتی که از دستاوردهای خودشان تجربه خواهند کرد، را از آنها سلب می کند. بسیاری از خانواده های ثروتمند این اشتباه را مرتکب شده اند که ثروت نامحدودی را به فرزندان خود هدیه می کنند و تخریب روانی ناشی از آن را تجربه می کنند. ثروتمندان به خوداتکایی به عنوان یک اصل راهنما در زندگی خود معتقد است، اما در عین حال به تمایل طبقه متوسط به سقوط در ذهنیت قربانی که انتظار دارند شخص دیگری از آنها مراقبت کنند، نیز پی می برند. کل اقتصادها بر این فلسفه بنا شده اند که ثروتمندان را به تأمین اجباری مالی هموطنان ناموفق خود وادار می کنند. از طریق تفکر مبتنی بر ترس و کمبود، این نه تنها عادلانه، بلکه تکامل یافته ترین روش حکومتی به نظر می رسد. از نظر دیدگاه فراوانی، این نوع بودجه بندی مطمئن ترین راه برای فلج کردن مردم از نظر روانشناختی به این باور است که نمی توانند از خود مراقبت کنند

و هیچ امیدی به انجام هیچ کاری به تنهایی ندارند. برخی از قدرت‌ها این را می‌دانند و از آن به عنوان ابزاری برای کنترل طبقه متوسط استفاده می‌کنند. ثروتمندان از قبول این فلسفه امتناع می‌ورزند و از آن در کشورهایی مانند آمریکا پناه می‌برند که در آن دستاوردهای فردی مورد تشویق، شناسایی و قدردانی قرار می‌گیرد. اختگی روانی که زمانی رخ می‌دهد که مردم متقاعد شوند که قادر به اداره زندگی خود نیستند، جنایتکارانه است، اما طبقه متوسط چنان در ترس غرق شده‌اند که نمی‌توانند ببینند که به طور سیستماتیک از درون نابود می‌شوند و به هواپیماهای بدون سرنشین تبدیل می‌شوند که توانایی آنها برای موفقیت از طریق تلاش‌های خود سلب می‌شود.

"اتکاء به خود تنها راه رسیدن به آزادی واقعی است و خود بودن پاداش

نهایی آن است."

— پاتریشیا سامپسون

◀ منبع ثروت:

از پول خود لذت ببرید! چگونه آن را بسازید، پس انداز کنید، آن را سرمایه‌گذاری کنید و به دیگران کمک کنید نوشته جی استیو میلر

|| سوال تفکر انتقادی:

آیا فکر می‌کنید اتکا به خود برای دستیابی به موفقیت مالی ضروری است؟

◀◀ مرحله اقدام:

تصمیم بگیرید که سطح اعتماد به نفس خود را در تمام زمینه‌های زندگی خود افزایش دهید.

طبقه متوسط، پولدارها را سلطه‌گر می‌بینند ... ثروتمندان، میلیونرها را آزادی بخش می‌بینند

طبقه متوسط همیشه در خدمت ثروتمندان می‌باشند و خواهند بود. این واقعیت همراه با آگاهی مبتنی بر ترس، طبقه متوسط را به حسادت نسبت به ثروتمندان و قدرتمندان سوق می‌دهد. ثروتمندان طبقه متوسط و فقیر را استخدام می‌کنند و این به افراد عادی این احساس را می‌دهد که کارفرمایان آنها را استثمار می‌کنند. متفکران در سطح جهانی، ثروتمندان را رهایی بخش بزرگ جامعه می‌دانند، تا حدی به این دلیل که آنها بیشترین مالیات را پرداخت می‌کنند، بیشترین کمک را به امور خیریه می‌کنند و محصولات، خدمات و شرکت‌هایی را ایجاد می‌کنند که طبقه متوسط را جذب کار می‌کنند. هر زمان که یک بحران ملی یا وضعیت اضطراری مالی رخ می‌دهد، رهبران به ثروتمندان نگاه می‌کنند تا با افزایش مالیات، استفاده از تماس‌ها یا محبت‌های سیاسی آنها، یا درخواست برای کمک به حل وضعیتی که فقط افراد ثروتمند می‌توانند آن را حل کنند، جامعه را نجات دهند.

دلیل دیگری که ثروتمندان رهایی بخش بزرگ جامعه هستند این است که آنها توانایی انتخاب و حرکت ایده‌ها را دارند. یک فرد معمولی به سختی قدرت مالی کافی برای ماندن در چرخه پرداخت صورتحساب را دارد. حتی در ثروتمندترین کشور جهان، اکثریت جمعیت فقط یک فیش حقوقی با زندگی در خیابان فاصله دارند. این واقعیت باعث می‌شود که آنها در تفکر مبتنی بر ترس عمل کنند، که باعث تداوم باورها، فلسفه‌ها و رفتارهایی می‌شود که طبقه متوسط را در وهله اول به جایی که هستند رسانده است. در همین حال، ثروتمندان بر اساس طرز فکر عشق، فراوانی و قدردانی عمل می‌کنند و هر روز ثروتمندتر می‌شوند. این تجربه چرخه

موفقیت را تداوم می بخشد که به یک پیشگویی خودشکوفایی تبدیل می شود تا زمانی که مجری باور کند که قادر به دستیابی به هر هدف یا رویایی است که می تواند تصور کند. در حالی که هر دو گروه در یک دنیای بیرونی زندگی می کنند، دنیای درونی آنها در یک سطح روحی - روانی متفاوت است. هر چه زمان بیشتر می گذرد، شکاف بیشتر می شود.

"ثروتمندان را کتک زنید. آدم فقیر کی به تو کار می دهد؟"

— لارنس جی پتر

◀ منبع ثروت:

پول شما یا زندگی شما: 9 گام برای تغییر رابطه خود با پول و دستیابی به استقلال مالی: اصلاح و به روز شده برای قرن 21 نوشته ویکی رابین، جو دومینگز و مونیک تیلفورد

|| سوال تفکر انتقادی:

وقتی بزرگ شدید، آیا به شما یاد داده اند که افراد ثروتمند آزادیخواه یا ظالم هستند؟ آیا ثروتمندان بیشتر منفی نشان داده می شدند یا مثبت؟

◀◀ مرحله اقدام:

فهرستی از 10 دلیلی که افراد ثروتمند بر جامعه تأثیر مثبت دارند، تهیه کنید.

54

طبقه متوسط معتقدند که میلیونر شدن خارج از کنترل آنها است ... ثروتمندان می‌دانند که پولدار شدن فرایندی درونی است

طبقه متوسط ماهیت تولید ثروت را درک نمی‌کنند، به همین دلیل است که نسل به نسل به همان شیوه به آن نزدیک می‌شوند و تقریباً همیشه شکست می‌خورند. مدارس نحوه کار با دسته چک، رعایت بودجه و ریاضیات اولیه را آموزش می‌دهند. این دانش به کودکان و بزرگسالان جوان آموزش می‌دهد تا به صورت خطی و منطقی در مورد پول فکر کنند که می‌تواند سرنوشت آنها را از نظر مالی قبل از دریافت دیپلم دبیرستان تعیین کند. مگر اینکه از طریق کتابهایی مانند این کتاب، سخنرانانی که آنها را در سمینار توسعه شخصی به چالش می‌کشد، یا یک مربی ثروتمند، با حقیقت ایجاد ثروت آشنا شوند، بازی قبل از شروع به پایان می‌رسد. واقعیت این است: ثروتمند شدن با طرز فکر و اعتقاد شما در مورد پول درآوردن شروع می‌شود. اگر پدر و مادرتان از طبقه متوسط و یا از طبقه فقیر بودند، چنانچه عقاید و فلسفه‌های آنها را در مورد پول بپذیرید، در نهایت همان نتیجه آنها را خواهید گرفت. تفکر انتقادی می‌گوید تنها دلیلی که مردم به وجودی متوسط و ضعیف رضایت می‌دهند این است که از نحوه حرکت فراتر از آن بی‌اطلاع هستند. راز همیشه یکی بوده است: فکر کردن. تنها راه برای یادگیری نحوه تفکر مانند یک فرد ثروتمند مطالعه آنها است. هر اقدامی که انجام می‌دهیم از طرز فکر و اعتقاد ما ناشی می‌شود. در حالی که طبقه متوسط بر این باورند که ثروتمند شدن خارج از کنترل آنها است، ثروتمندان می‌دانند که کسب درآمد و پولدار شدن یک رابطه علت

و معلولی است. علت رفتار ما نظام اعتقادی ما است. و اثر رفتار ما نتیجه‌ای است که به دست می‌آوریم. اگر علت را تغییر دهید، به طور خودکار رفتار و نتیجه نهایی را تغییر می‌دهید. با دانستن این موضوع، متفکر کلاس جهانی همیشه با مطالعه افراد ثروتمند، عقاید و فلسفه‌های خود را در مورد پول ارتقا می‌دهد.

"ثروت تا حد زیادی نتیجه عادت است."

— جان جیکوب آستور

◀ منبع ثروت:

لطفاً پول بفرستید راهنمای بقای مالی برای جوانان نوشته دارا دوگوای

|| سوال تفکر انتقادی:

آیا شما مانند ثروتمندان فکر می‌کنید؟

◀◀ مرحله اقدام:

بر اساس آنچه در این کتاب آموخته‌اید، فهرستی از 5 باوری که افراد ثروتمند درباره پول دارند تهیه کنید و به خودتان بگویید که به این چیزها هم اعتقاد دارید.

طبقه متوسط فکر می‌کنند که میلیونرها خود را باهوشتر می‌پندارند ... ثروتمندان می‌دانند که هوش ربطی به پولدار شدن ندارد

طبقه متوسط ثروتمندان را به عنوان بخشی نخبه‌تر از جامعه می‌دانند که خود را بهتر از دیگران می‌دانند. این افسانه توسط افرادی که از عدم موفقیت خود ناامید هستند و به کسانی که ثروتمند شده‌اند حسادت می‌کنند، تداوم می‌یابد. حقیقت این است که افراد ثروتمند خود را باهوش‌تر یا بهتر نمی‌دانند و افرادی را تحسین می‌کنند که شجاعت و استقامت آن را دارند که تمام زندگی خود را برای دریافت ناچیز پول کار کنند. سخت است که معدنچی یا آجرکاری را تحسین نکنیم که به مدت چهل سال هر روز مشغول کار است و به سختی گذران زندگی می‌کند. مشاغل سخت یک استراتژی ضعیف برای به دست آوردن پول هستند، اما مورد احترام دیگران می‌باشند. میلیونرهای خودساخته می‌دانند که ثروتمند شدن ربطی به هوش و تمرکز و پشتکار ندارد. آن‌ها می‌دانند که فردی معمولی بیش از آنکه روی ساختن نمونه کار مفید متمرکز باشد، روی بازی‌های ویدیویی، گشت و گذار در اینترنت و تماشای تلویزیون متمرکز است. به همین دلیل است که بسیاری از میلیونرها دبیرستان و دانشگاه را ترک می‌کنند. آنها مدرسه را رها کردند زیرا از آنچه یاد می‌گرفتند خیلی راضی نبودند. بسیاری از برنامه‌های درسی مدارس از نظر دامنه بسیار گسترده، قدیمی و فاقد داده‌های مناسب برای آموزش نکات مهم برای موفقیت هستند. اکثر معلمان نمی‌دانند چگونه می‌توانند ثروت بسازند. در حالی که افراد ثروتمند به آموزش رسمی اعتقاد دارند، تعداد کمی از امپراتوری‌های مالی خود

را مدیون آموخته‌های خود در مدرسه می دانند. ثروتمند شدن به معنای باهوش تر، تحصیل کرده تر یا زیرک تر بودن نیست؛ این مهم است که بدانید چه می خواهید و تمرکز زیادی روی دستیابی به آن نیز داشته باشید و مهم نیست که چقدر طول بکشد یا چقدر سخت کار کنید. ساده است، اما آسان نیست. مشکل این است که بسیاری از مردم در باورهای طبقه متوسط در مورد پول غرق هستند که هرگز سعی نمی کنند به دنبال اهداف کلاس جهانی بروند.

"هرگز فراموش نکنید: راز خلق ثروت برای خود این است که اول آن را

برای دیگران ایجاد کنید."

— سر جان تمپتون

◀ منبع ثروت:

نقشه پول شما: راهنمای 7 مرحله‌ای اثبات شده برای آزادی واقعی مالی
نوشته هوارد لاپ دیتون

|| سوال تفکر انتقادی:

آیا فکر می کنید آنقدر باهوش هستید که می توانید یک میلیونر خودساخته شوید؟

◀◀ مرحله اقدام:

هر روز به خود بگویید که هر آنچه که برای ثروتمند شدن به آن اندازه که می خواهید و لازم است را دارید.

56

طبقه متوسط با همه معاشرت می‌کنند... ثروتمندان با دقت اطرافیان خود را انتخاب می‌کنند

افراد دارای تحصیلات رسمی سطح بالا دوست دارند با نخبگان دانشگاهی ارتباط برقرار کنند. افراد دارای تناسب اندام از گذراندن وقت با افراد تناسب اندام لذت می‌برند. افراد مذهبی دوست دارند با افراد با ایمان معاشرت داشته باشند. و افراد ثروتمند دوست دارند با افرادی که میلیونر هستند معاشرت کنند. با اینکه افراد دوست دارند مانند خود را جذب کنند، با این حال معمولاً افراد ثروتمند به دلیل داشتن یک دایره درونی بسته مورد انتقاد قرار می‌گیرند که نفوذ به آن تقریباً غیرممکن است مگر اینکه شما ثروتمند باشید. افراد موفق به طور کلی تأکید میکنند که هوشیاری مسری است و قرار گرفتن در معرض افرادی که موفق‌تر هستند این پتانسیل را دارد که تفکر شما را گسترش دهد و درآمد شما را افزایش کند. ما شبیه افرادی می‌شویم که با آنها معاشرت می‌کنیم و به همین دلیل است که برندگان جذب برندگان می‌شوند. در سایر بخش‌های جامعه این امر پذیرفته شده است، اما ثروتمندان همیشه به دلیل تمایل خود برای مشارکت با افراد با موفقیت مالی مشابه مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. میلیونرها نسبت به طبقه متوسط در مورد پول به طور متفاوت فکر می‌کنند و با حضور در جمع آنها می‌توان چیزهای زیادی به دست آورد. به عبارت دیگر میلیونرها افرادی هستند که می‌دانند چگونه میلیاردی شوند. اگر از دانش کسب درآمد میلیاردی برخوردار باشند، آیا به درآمد میلیونی رضایت می‌دهند؟ به همین دلیل است که میلیونرها همیشه در تلاش هستند تا وارد گروه انحصاری از افرادی شوند که جزو ثروتمندترین قشر مردم جهان هستند. یک فرد معمولی می‌خواهد با یک میلیونر ملاقات کند تا به دوستان خود پز دهد.

میلیونرها می خواهند با میلیاردرها معاشرت کنند تا یاد بگیرند که آنها چگونه فکر می کنند. یک گروه در حال تماشای بازی هستند و گروه دیگر در حال انجام بازی. تنها سوالی که مهم است این است که شما جزء کدام گروه هستید؟

"انسان فقط از دو طریق یاد می گیرد، یکی از طریق خواندن، و دیگری از

طریق معاشرت با افراد باهوش تر."

— ویل راجرز

◀ منبع ثروت:

چگونه از بدهی خارج شویم، از بدهی خود دور بمانیم و موفق زندگی کنیم نوشته جرولد موندیس

|| سوال تفکر انتقادی:

چند نفر از افراد ثروتمند در حلقه درونی همکاران و مشاوران شما هستند؟

◀◀ مرحله اقدام:

هدفی تعیین کنید تا مدت زمانی که برای معاشرت با افراد ثروتمندتر از خود صرف می کنید را دو برابر کنید.

طبقه متوسط مدارج تحصیلی رسمی را تایید می‌کند ... ثروتمندان یادگیری که سبب افزایش ثروت شود را می‌پذیرند

طبقه متوسط معتقدند آموزش رسمی تنها آموزشی است که به آنها کمک می‌کند تا موفق شوند. وقتی می‌خواهند پول بیشتری به دست آورند، شرکت‌هایشان آنها را تشویق می‌کنند که به کالج برگردند و مدرک MBA یا Ph.D بگیرند. کارفرمایان اغلب مایل به پرداخت هزینه برای این مدارک تحصیلی هستند. این یکی از ناکارآمدترین استراتژی‌ها برای افزایش درآمد است. کارآمدترین و سودآورترین کار، پیدا کردن راه‌حل برای مشکلی است که کسی قادر به حل آن نیست و فروختن آن راه حل. هر چه مشکل بزرگتر باشد، درآمد حاصل بزرگتر است. این سنگ بنای هر ثروت بزرگی است. گاهی اوقات نیاز به آموزش بیشتر است، و این زمانی است که متفکران در سطح جهانی به هر شکلی از آموزش روی می‌آورند که به آنها دانش لازم برای رسیدن به آنچه می‌خواهند را بدهد. گاهی اوقات آنها آن را در کلاس درس کالج پیدا می‌کنند، اما اغلب به افرادی مراجعه می‌کنند که کاری را که می‌خواهند انجام دهند را انجام داده‌اند. به همین دلیل است که سمینارهای توسعه شخصی و حرفه‌ای در طول سالها بسیار محبوب شده‌اند. سخنرانان، نویسندگان و مربیانی که این برنامه‌ها را رهبری می‌کنند معمولاً به موفقیت‌های بزرگی در زمینه انتخابی خود دست یافته‌اند، و بازگشته‌اند تا اسرار خود را با دیگرانی که مایل به انجام همین کار هستند در میان بگذارند. برخی از افراد ثروتمند مشتاق به سازمان‌های بازاریابی ارجاعی یا فروش مستقیم می‌پیوندند تا در عین حال

تحصیلات در سطح جهانی در زمینه کارآفرینی کسب درآمد کنند. این یکی دیگر از روش های غیرمتعارف و در عین حال بسیار مؤثر برای یادگیری از افراد ثروتمند باهوشی است که ثروت شخصی جمع کرده اند. افراد ثروتمند و جاه طلب نیز از طرفداران بزرگ خودآموزی از طریق استفاده از کتاب، برنامه های صوتی و سایر مواد آموزشی هستند. آنها با مصاحبه با افراد موفق هم رشته، خود را آموزش خواهند داد. آنها مربیان و مشاوران شخصی استخدام خواهند کرد. آنها برای تحقق رویاهای خود از هر شکل آموزشی استفاده می کنند و برای تأیید سرمایه گذاری خود نیازی به مدرک یا گواهی پایان کار ندارند. بنابراین، در حالی که طبقه متوسط تمایل دارد خود را به آموزش رسمی محدود کند، ثروتمندان برای هر چیزی که آنها را به اهدافشان نزدیک تر کند آماده اند.

"آنها به اندازه کافی می دانند که چگونه یاد بگیرند."

— هنری آدامز

◀ منبع ثروت:

زندگی مالی داشته باشید: امور مالی شخصی در دهه بیست و سی
سالگی نوشته بث کوبلینر

|| سوال تفکر انتقادی:

روزانه برای آموزش بیشتر خود برای ثروتمند شدن چه می کنید؟

◀◀ مرحله اقدام:

به یک شرکت بازاریابی شبکه ای یا فروش مستقیم با یک برنامه شبکه ای چند سطحی بپیوندید تا نحوه فروش محصولات، استخدام افراد و تشکیل تیم را بیاموزید. در مورد نحوه تفکر و عملکرد افراد ثروتمند از مشاهده برترین عملکردها در این شرکت ها بیشتر از هر جای دیگری، خواهید آموخت.

طبقه متوسط اهداف مشخصی با ضرب الاجل‌های منعطف دارند... ثروتمندان اهداف کاملاً تعریف‌شده‌ای با ضرب الاجل‌های انجام یا مرگ دارند

یک انسان معمولی خیلی چیزها را با تمام وجود می‌خواهد. بزرگان با تمام وجود روی یک هدف اصلی در زمانی خاص تمرکز می‌کنند. من در گذشته از هزاران نفر در مورد اهدافشان نظرسنجی کرده‌ام و تنها 3 درصد از آنها به اندازه کافی خاص هستند تا سطح انرژی ذهنی مورد نیاز برای موفقیت قابل توجه را تولید کنند. متفکران کلاس جهانی بر تنها مهم‌ترین هدفی که می‌خواهند تمرکز می‌کنند و برای دستیابی به آن ضرب‌الاجل تعیین می‌کنند. میلیونرهای خودساخته اینگونه خلق می‌شوند. در حالی که طبقه متوسط انرژی ذهنی و نبوغ خلاق خود را روی اهداف، پروژه‌ها و سرگرمی‌های متعدد پراکنده می‌کنند، ثروتمندان بر کسب درآمد تمرکز می‌کنند. اگر کاری که انجام می‌دهند پولی به همراه نداشته باشد، از انجام آن دست می‌کشند. هنگامی که آنها مقدار پول مورد نظر خود را بدست آوردند، این آزادی را دارند که تمرکز خود را به سمت اهداف دیگر هدایت کنند. تعهد بزرگان به ساختن یک امپراتوری مالی عملاً موفقیت آنها را تضمین می‌کند. طبقه متوسط نیز توانایی تمرکز یکسانی دارد، اما فاقد باور لازم برای به خطر انداختن خود و اهدافش هستند. هیچ جادویی در این فرآیند وجود ندارد، باید باور داشته باشید که این امر امکان‌پذیر است و گرنه هرگز آنقدر روی خودتان شرط‌بندی نخواهید کرد که تا زمان موفقیت ادامه دهید. بدون تردید، باورها ستاره نمایش هستند. اغراق‌آمیز نیست اگر بگوییم باورها قدرت ثروتمند کردن شما را دارند، تا زمانی که عمل از باورهای شما

پیروی کند. ثروتمندان همیشه این را می دانستند و همچنان از آن برای به دست آوردن آنچه از زندگی می خواهند استفاده می کنند.

"شما باید عادت کنید که بر اساس یک هدف مشخص فکر کنید."

— جان هنری پترسون

◀ منبع ثروت:

لطفاً پول بفرستید راهنمای بقای مالی برای بزرگسالان جوان نوشته دارا دوگوا

|| سوال تفکر انتقادی:

در مقیاس 1-7، که 7 بیشترین است، چقدر به ثروتمند شدن متعهد هستید؟

◀◀ مرحله اقدام:

مقدار دقیق پولی که می خواهید در 12 ماه آینده به دست آورید را بنویسید.

طبقه متوسط تا حد امکان کمتر فعالیت می‌کند ... ثروتمندان تا حد امکان هوشمندانه تلاش می‌کنند

قرعه کشی محبوب‌ترین استراتژی پولدار شدن در میان طبقه متوسط است. حتی با وجود میزان شانس‌ی که عملاً باخت را تضمین می‌کند، میلیون‌ها نفر هر روز برای خرید بلیت اقدام می‌کنند با این امید که بدون هیچ تلاشی موفق شوند. تا زمانی که این طرز فکر را بررسی نکنید، بی‌ضرر به نظر می‌رسد، که حقیقت غم‌انگیز را آشکار می‌کند: اکثر مردم ناخودآگاه معتقدند که این تنها شانس آنها برای ثروتمند شدن است. مردم به همین دلیل به لاس‌وگاس سفر می‌کنند؛ فرصتی برای کسب درآمد کافی که دیگر هرگز نگران آن نباشند. به جای شرط‌بندی روی خود، آنها فکر می‌کنند شانس بیشتری برای رسیدن به جکپات یک به یک میلیون دارند. البته، تنها افرادی که ثروتمند می‌شوند، صاحبان کازینو هستند که به اندازه کافی باهوش هستند که از این خودفریبی روانی استفاده کنند. طبقه متوسط هر روز سر کار می‌روند، با تلاشی متوسط روبه‌رو می‌شوند و متعجب هستند که چرا به زندگی پر از مشکلات مالی تنزل داده شده‌اند. آنها رئیس و رهبران شرکت را که آنها را حریص می‌دانند، تحقیر می‌کنند و متعجب می‌شوند که چرا زندگی آنها را بد کرده است. در همین حال، متفکران در سطح جهانی بلیط‌های بخت آزمایی و کوپن‌های قمار خود را برای شرط‌بندی روی خود خریداری می‌کنند. آنها هر روز تلاشی در سطح جهانی انجام می‌دهند و معتقدند که با هر اقدامی به اهداف و رویاهای خود نزدیک می‌شوند. از آنجایی که 95% از رقبای آنها متفکران طبقه متوسط هستند، آنها به راحتی از قشر متوسط پیشی می‌گیرند و می‌توانند روی پیشی گرفتن از 5% قشر برتر تمرکز کنند. زمانی که آنها به این سطح می‌رسند، درآمد بیشتری در یک

سال نسبت به اکثر مردم در پنج سال کسب می‌کنند. چیزی که در نهایت آنها را به ثروت در سطح جهانی سوق می‌دهد، این درک است که 5% از مجریان برتر در هر زمینه‌ای از رقابت مبتنی بر نفس فراتر می‌روند و به دنیای تفکر خلاق صعود می‌کنند. این به آن‌ها اجازه می‌دهد تا انرژی ذهنی خود را به سمت حل مشکلاتی هدایت کنند که 95% پایین‌تر نمی‌توانند به آن فکر کنند. به دست آوردن ثروت بزرگ زمانی شروع می‌شود که اجراکننده شروع به تفکر در بالاترین سطوح می‌کند - تفکر خلاق - جایی که ترس و کمبود با افکار عشق، فراوانی و قدردانی جایگزین می‌شود. این سطح از آگاهی نه تنها آنها را ثروتمند می‌کند، بلکه به آنها ثروت درونی می‌دهد - احساس خوبی، رضایت و شادی.

"خوش به حال کسی که کار خود را یافته است. او هیچ نعمت دیگری

نمی‌خواهد."

— توماس کارلایل

◀ منبع ثروت:

پول روی درختان رشد نمی‌کند؛ راهنمای والدین برای تربیت فرزندانی که از نظر مالی مسئولیت‌پذیر هستند نوشته نیل اس. گادفری، کارولینا ادواردز و تد ریچاردز

II سوال تفکر انتقادی:

اگر روی میلیونر شدن شرط‌بندی کنید چقدر احتمال پولدار شدن دارید؟

◀◀ مرحله اقدام:

از آنجایی که شما راز ثروتمند شدن هستید، امروز با خرید کتاب، ثبت‌نام در یک سمینار یا رویداد توسعه شخصی، یا گوش دادن به یک آلبوم CD خودیاری، روی خودتان سرمایه‌گذاری کنید.

طبقه متوسط دوست دارند راحت باشند ... ثروتمندان با داشتن آرامش مشکلی ندارند

پس از بیش از دو و نیم دهه نظرسنجی، مصاحبه و مطالعه، متوجه شدم که بیشتر از هر چیز دیگری، بیشتر مردم فقط می خواهند راحت باشند. آسایش جسمی، روانی و عاطفی هدف اولیه ذهنیت طبقه متوسط است. آسایش در سلامتی، روابط، پول، و هر جنبه دیگری از زندگی آنها، و افراد زیادی به آن دست می یابند. متفکران در سطح جهانی در همان ابتدا می آموزند که میلیونر شدن کار آسانی نیست و نیاز به راحتی می تواند ویرانگر باشد. آنها یاد می گیرند در حالی که در وضعیت عدم اطمینان مداوم کار می کنند اما راحت باشند. بزرگان می دانند که برای پولدار شدن باید بهایی پرداخت، اما اگر سرسختی ذهنی برای تحمل درد موقت داشته باشند، می توانند در انتها از ثروت فراوان استفاده کنند. طبقه متوسط از انجام کارهایی که دوست ندارند اجتناب می کنند، که در مراحل اولیه ساختن ثروت، بیشترین فرصت در آنها نهفته است. میلیونرها نیز از انجام این کارها خوششان نمی آید، اما به هر حال انجام می دهند زیرا معتقدند این کارها به آنها کمک می کند تا زندگی بهتری بسازند. متفکران در سطح جهانی جرات خوش بین بودن را دارند. آنها بدبینی آزار دهنده طبقه متوسط را رد می کنند. به این دلیل که بدبین ها استدلال معتبری ارائه نمی دهند. تفکر انتقادی ثابت کرده است که بدبینی گاهی جواب می دهد. اما ثروتمندان افکار بدبینانه را رد می کند زیرا آنها را به اهداف خود نزدیک نمی کند. هنگامی که آنها ثروتمند شدند، می توانند دیدگاه بدبین ها را در نظر بگیرند. اما در ابتدا، جایی که تنها پیشرفت قابل مشاهده در ذهن اجراکنندگان است، حتی اشاره ای به یک فکر منفی می تواند اعتماد به نفس آنها را تضعیف کند.

هنگامی که موفقیت بدیهی است، فرد خوش بین نتایج خود را به عنوان مرجع در اختیار دارد. برای یک میلیونر در حال پیشرفت راحت نیست وقتی همه اطرافیانش منفی نگر و بدبین هستند و از او حمایت نمی‌کنند، به حرکت خود ادامه دهد، با این حال افراد بزرگ جلو می‌روند و در انتها با کسب ثروت پاداش می‌گیرند.

"آرمان‌هایی که همیشه در برابر من می‌درخشند و من را سرشار از لذت زندگی کرده‌اند، خوبی، زیبایی و حقیقت هستند. هدف‌گذاری برای آسایش یا خوشبختی هرگز برای من جذاب نبوده است. یک نظام اخلاقی که بر این اساس بنا شده باشد فقط برای یک گله گاو مناسب است."

— آلبرت اینشتین

◀ منبع ثروت:

مشکلات پول خود را حل کنید: بدهی، اعتبار و ورشکستگی نوشته رابین لئونارد جی دی و وکیل مارگارت ریتر

|| سوال تفکر انتقادی:

آیا حاضرید یاد بگیرید که چگونه سختی را برای ثروتمند شدن تحمل کنید؟

◀◀ مرحله اقدام:

فهرستی از 5 کاری که امروز باید انجام دهید تهیه کنید که برایتان راحت نیست اما به شما کمک می‌کند ثروت مالی خود را بسازید.

طبقه متوسط ترسو و بزدل هستند... ثروتمندان شجاع و جسور هستند

به افراد معمولی از کودکی گفته می‌شود که ساکت باشند، از مشکل دوری کنند و اعتراض نکنند. دانشجویان کالج و دانشگاه تشویق می‌شوند تا انتظارات «واقع‌بینانه» را برای زندگی خود تعیین کنند. البته واقع‌گرایی مبتنی بر درک ذهنی استاد یا مشاور راهنما و سطح آگاهی آنها در مورد پول است. جهان بینی اکثر مردم در نهایت این است که زندگی خطرناک و ترسناک است و برای اینکه با کمترین درد زنده بمانید، بهتر است از خطرات غیر ضروری جلوگیری کنید. پذیرش این جهان بینی، افراد را به مشاغلی محدود می‌کند که ریسک آن حداقل است و اشتغال طولانی مدت بالاترین اولویت است. متفکران کلاس جهانی همان توصیه‌های محدودکننده را دریافت می‌کنند، اما از طریق آزمایش، متوجه می‌شوند که تنها با اتخاذ جهان بینی دیگر، شانس ثروتمند شدن را دارند. آنها یاد می‌گیرند که در جستجوی ثروت جسور، تهاجمی و نترس باشند. آنها در یک سال بیشتر از بسیاری از مردم عادی در طول زندگی‌شان، اشتباه می‌کنند. آنها پول از دست می‌دهند، تصمیم‌های بدی می‌گیرند و برای پرداخت صورت‌حساب‌هایشان تلاش می‌کنند، در حالی که هم‌تایان محافظه‌کارشان در حال تلاش هستند و هر هفته به قرض‌شان اضافه می‌شود. آنها تماشا می‌کنند که دوستانشان خانه‌های کوچک زیبا، و ماشین‌های جدید می‌خرند و زندگی راحت و شادی دارند. در همین حال، آنها کارت‌های اعتباری بیشتری تهیه می‌کنند و نمی‌دانند که چگونه بدی آن را بازپرداخت خواهند کرد. خانواده‌های افراد متوسط فکر می‌کنند آنها دیوانه هستند و التماس می‌کنند که کار پیدا کنند. اما هنگامی که متفکر کلاس جهانی راز

جمع آوری ثروت را کشف کرد، هرگز نمی تواند دوباره به جریان اصلی جامعه بپیوندد. متفکران در سطح جهانی به خود اجازه نمی دهند که به حد متوسط مالی بسنده کنند، وقتی می دانند که دنیا مملو از فراوانی است تا هر شخص شجاع بتواند ثروت مورد نیاز خود را دریافت کند. پایان داستان آنها به همان اندازه که قابل پیش بینی است و غیرخطی است: آنها تقلا می کنند و با شانسها مبارزه می کنند و تقریباً هیچ چیزی برای آن نشان نمی دهند، و سپس یک روز تلاش های آنها کمی نتیجه می دهد و بعد خیلی. سپس همه اطرافیانشان را شوکه می کند. ناگهان، رویاپرداز جسور و به ظاهر دیوانه، ثروتمندتر از آن چیزی است که بیشتر مردم تصور می کنند. روزی، رویا به واقعیت تبدیل می شود. البته حقیقت این است که سالها در حال ساخت بوده است و اکثر تلاشها صرف آماده سازی شخص برای تبدیل شدن به سطح متفکری شد که بتواند ثروتی را به نمایش بگذارد.

"هم ثروت و هم عشق با جسورها دوست می شوند."

— / اويد

◀ منبع ثروت:

خردش کن! نوشته گری واینرچوک

|| سوال تفکر انتقادی:

آیا از نظر ذهنی به اندازه کافی سختگیر هستید که بتوانید انتقاداتی که قرار است در مسیر ثروتمند شدن به شما گفته شود، را تحمل کنید؟

◀◀ مرحله اقدام:

از نظر ذهنی خود را برای موج جزر و مدی انتقادی که در راه رسیدن به ثروت با آن مواجه خواهید شد، آماده شوید. وقتی طبقه متوسط به شما حمله می کنند هرگز تعجب نکنید.

طبقه متوسط آرزوی روزهای خوب گذشته را دارند ... ثروتمندان به فکر رویای آینده هستند

بیشتر ما با گوش دادن به داستان‌های روزهای خوب قدیم بزرگ شدیم، زمانی که دنیا مکانی مهربان‌تر و ملایم‌تر بود. موسیقی بهتر بود، ورزشکاران ورزیده‌تر بودند، و تاجران صادق بودند. این سنت طبقه متوسط از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود در حالی که آنها نمی‌دانند که این فکر چقدر مودبانه و مخرب است. افرادی که معتقدند بهترین روزهایشان پشت سرشان است، به ندرت ثروتمند می‌شوند و اغلب با ناراحتی و افسردگی دست و پنجه نرم می‌کنند. متفکران کلاس جهانی آینده‌گرا هستند و نسبت به آنچه در پیش است خوش بین هستند. زندگی شگفت‌انگیز آنها دو بار ایجاد می‌شود: اول در ذهن آنها و سپس در واقعیت. این عادت آنها را به تصور آینده‌ای سوق می‌دهد که در آن عشق و فراوانی حکمفرما است و پول مانند آب در جریان است. آنها همچنان که در حال زندگی می‌کنند و رویای آینده را در سر می‌پروراند از گذشته قدردانی می‌کنند و از گذشته درس می‌آموزند. طبقه متوسط اساساً خود را از دستیابی به موفقیت‌های بزرگ با تکیه بر این باور که گذشته جایی است که بزرگترین فرصت‌هایشان بوده است، خود را از دست‌آوردهای بزرگ تبرئه می‌کنند و در آینده فرصت‌هایی به این بزرگی وجود نخواهد داشت. این باور آنها را راحت می‌کند، در حالی که به طور همزمان آنها را به یک زندگی با رشد محدود تنزل می‌دهد. بزرگان می‌دانند که زندگی کردن در گذشته در حالی که نسبت به آینده بدبین هستند، نیاز به جسارت ندارد. میلیونرهای خودساخته به این دلیل ثروتمند می‌شوند که حاضرند روی خود شرط بندی کنند و رویاها، اهداف و ایده‌های خود را در آینده‌ای نامعلوم ایجاد کنند.

بیشتر زمان برنامه‌ریزی آنها صرف روشن کردن اهدافی می‌شود که در چند سال محقق نمی‌شوند، با این حال آنها با صبر و حوصله برنامه‌ریزی می‌کنند و رویاهایشان را می‌بینند که آینده آنها چگونه خواهد بود. وقتی نوبت به ساختن ثروت می‌رسد، آنها بر ارزش خالصی که می‌خواهند به دست آورند تمرکز می‌کنند و سپس یک جزء احساسی را به هدف خود متصل می‌کنند. بزرگان می‌دانند که این پول نیست که آنها را هدایت می‌کند. افزایش احساس مثبت است که پول می‌تواند انجام دهد و نشان دهنده آن است. هر کاری که آنها می‌خواهند با ثروتی که می‌سازند انجام دهند به احساس عاطفی که می‌خواهند تجربه کنند مرتبط است. هنگامی که از نظر عاطفی به هدف متصل می‌شوند، آنها را به سطح بالایی از تعهد می‌رساند.

"امپراتوری‌های آینده امپراتوری‌های ذهن هستند."

— وینستون چرچیل

◀ منبع ثروت:

اول عشق می‌آید، سپس پول: راهنمای زوجین برای ارتباطات مالی
نوشته بتانی پالمر و اسکات پالمر

|| سوال تفکر انتقادی:

آیا زمان بیشتری را صرف فکر کردن به گذشته می‌کنید یا رویای آینده؟

◀◀ مرحله اقدام:

تصمیم بگیرید که با تمرکز بر زمان حال و در عین حال رویای آینده،
«آینده محور» شوید.

63

طبقه متوسط برای باختن بازی می‌کنند ... ثروتمندان برای بردن تلاش می‌کنند

از آنجایی که آسایش و امنیت اولویت اصلی طبقه متوسط است، آنها ناخودآگاه (و گاهی آگاهانه) با حداقل تلاش زندگی می‌کنند و به هر قیمتی از خطر اجتناب می‌کنند. شوخی قدیمی در مورد طبقه متوسط این است که وقتی می‌میرند توسط سنت پیتر و فرشتگان استقبال می‌شوند و به خاطر سالم بودن در زمان مرگ تشویق می‌شوند. بزرگان به دنبال ریسک می‌روند. آنها آگاهانه زندگی خود را در شب برنامه‌ریزی و در روز اجرا می‌کنند. این افراد متفکرانی انتقادی هستند که می‌دانند فقط چند روز در دنیا هستند و زمان همیشه در حال حرکت است. از آنجایی که پایان نزدیک است، آنها می‌دانند که چیزی برای از باختن ندارند. آن‌ها بدون ترس زندگی‌شان را با فرصت‌هایی می‌گذرانند و در طول یک سال موفق می‌شوند و شکست می‌خورند، بیش از بسیاری از مردم در طول یک عمر. شکست‌های آنها بزرگ و موفقیت‌هایشان بزرگتر است. آنها بزرگ زندگی می‌کنند و هر روز صبح با احساس هیجان و انتظار از خواب بیدار می‌شوند. آنها می‌دانند که فردا ثروتمندتر از امروز خواهند بود و ثروتشان به آنها اجازه می‌دهد تا با به حداقل رساندن خطر ریسک، شانس‌های بزرگ تری داشته باشند. هر موفقیتی سطح جدیدی از اعتماد به نفس برای آنها ایجاد می‌کند، که آنها را تشویق می‌کند تا ریسک‌های بزرگتری را انجام دهند، زیرا میدانند در صورت شکست، مهارت و دانش لازم برای بازیابی را دارند. بنابراین در حالی که طبقه متوسط برای زنده ماندن تلاش می‌کنند و رویای آسایش را در سر می‌پروراند، ثروتمندان در فراوانی غوطه‌ور شده و رویای رسیدن به سطوح بالاتر را نیز در سر می‌پروراند.

"برخی ثروتمند می شوند و عده‌ای ممکن است پیشرفت نکنند و دلیل کسب ثروت فعالیت در صنعت و سرمایه گذاری است." — آبراهام لینکلن

◀ منبع ثروت:

طلاق و پول: نحوه اتخاذ بهترین تصمیمات مالی در طول طلاق نوشته ویولت وودهاوس و دیل فترلینگ

|| سوال تفکر انتقادی:

آیا برای بردن بازی می کنید یا برای نباختن؟

◀◀ مرحله اقدام:

تصمیم بگیرید تا زمانی که هنوز فرصت دارید به سمت رویاهای خود بروید. یادتان باشد یک روز وقتتان تمام می شود.

64

طبقه متوسط انتظارات مالی خود را پایین می آورند تا هرگز ناامید نشوند... ثروتمندان انتظارات مالی خود را بالا می برند تا همیشه هیجان زده باشند

طبقه متوسط به ایجاد توقعات کم اعتقاد دارند و کارشناسان بسیاری به آنها مشاوره داده اند که این کار را انجام دهند. روانشناسان و سایر کارشناسان بهداشت روان اغلب به افراد توصیه می کنند که از زندگی خود انتظارات کمی داشته باشند تا مطمئن شوند که ناامید نمی شوند. استاد روانشناسی من در کالج به همه دانشجویانش همین توصیه را می کرد. فعالان در سطح جهانی این افراد را جنایتکاران حداقلی می دانند. هیچ کس با این روش ثروتمند نمی شود و بدون انتظارات بزرگ در اوج رویاهای خود زندگی نمی کند. خرد باستانی می گوید آنچه را که انتظار دارید به دست می آورید، با این حال بسیاری از مردم تصمیم می گیرند زندگی خود را به حد معمولی طبقه متوسط محدود کنند تا از خود در برابر شکست محافظت کنند. با هر فرد ثروتمندی که در 26 سال گذشته مصاحبه کرده ام، بارها شکست خورده است. اکثر آنها مبالغ زیادی از دست داده اند. بزرگان می دانند که شکست، پیش نیاز موفقیت بزرگ است. رسیدن به ثروت بزرگ با یک انتظار غیرواقعی توسط یک فرد غیرمنطقی آغاز میشود. بسیاری از روانشناسانی که افراد فوق العاده موفق را مطالعه می کنند، به این نتیجه می رسند که آنها خاص و منحصر به فرد هستند، و بنابراین توصیه هایی که برای آنها مفید است شاید برای بقیه ما کارساز نباشد. تحقیقات من ثابت می کند که تفاوت اصلی بین طبقه متوسط و میلیونرهای خودساخته در نحوه تفکر آنها است. یک گروه زندگی را به عنوان یک

مبارزه مداوم و گروه دیگر آن را به عنوان یک بازی می بینند. ثروتمندان هرگز از بالا بردن سطح توقع خود دست نمی کشند زیرا آنها عاشق هیجان بازی هستند. هر چه بیشتر هیجان زده می شوند، سخت تر کار می کنند و بیشتر موفق می شوند. در همین حال، طبقه متوسط به مبارزه و زندگی در استیصالی آرام ادامه می دهند.

"هیچ کس فراتر از باورهای خود موفق نمی شود مگر اینکه با برخی

ایده های ناممکن شروع کند."

— رالف چارل

◀ منبع ثروت:

کتاب پول برای فریلنسرها، پاره وقت ها، و خوداشتغال ها: تنها سیستم مالی شخصی برای افراد با مشاغل نه چندان منظم نوشته جوزف داگنیز و دنیس کایرنان

|| سوال تفکر انتقادی:

آیا انتظارات مالی خود را به اندازه کافی بالا تنظیم کرده اید؟

◀◀ مرحله اقدام:

اهداف مالی خود را دوباره بررسی کنید و آنها را حداقل 50% افزایش دهید، حتی اگر ایده های برای رسیدن به آنها ندارید. این شما را وادار می کند که تفکر و انتظارات خود را گسترش دهید.

65

طبقه متوسط ثروت بادآورده دارند و نگران از دست دادن آن هستند... ثروتمندان در آمد زیاد دارند و می‌دانند چگونه از آن استفاده کنند

باور اصلی در میان طبقه متوسط این است که زندگی قرار است سخت باشد و اتفاقات بزرگ فقط برای افراد دیگر رخ می‌دهد. اما باور اصلی ثروتمندان موفقیت است، و فراوانی و شادی نظم طبیعی جهان است. وقتی اتفاقات بزرگی روی می‌دهند، بیشتر مردم منتظرند تا مشکلی پیش بیاید. چرا آنها باید موفقیت عظیمی را تجربه کنند؟ در نتیجه این باور، افراد معمولی معمولاً راهی برای خرابکاری در هر موفقیت جدید پیدا می‌کنند و به سطح راحتی برمی‌گردند. همانطور که آب به دنبال پایین‌ترین سطح است، انتظارات و باورها به سطح حداقل باز می‌گردند. به همین دلیل است که طبقه متوسط با افرادی در سطح مشابه موفقیت معاشرت می‌کنند. پول مهم نیست؛ این میزان آگاهی است که سطح مختلف اقتصادی را نشان می‌دهد. افرادی که درآمد متوسطی دارند مانند دیگرانی با درآمد مشابه فکر می‌کنند. برای افراد ثروتمند هم همینطور است. میلیونها مانند میلیونها دیگر فکر می‌کنند و به همین دلیل است که دوست دارند با مشابه خود معاشرت کنند. سریع‌ترین راه برای ثروتمند شدن این است که با افراد ثروتمند معاشرت کنید و نحوه تفکر آنها را بررسی کنید. سپس، باورها و فلسفه‌های اصلی آنها را کپی کنید و شاهد تغییر رفتار خود باشید. به یاد داشته باشید که هوشیاری مسری است و ما تمایل داریم که باورها و فلسفه‌های افرادی که بیشترین زمان را با آنها می‌گذرانیم را قبول کنیم. در حالی که ایده استفاده از اهرم پول یک دانش رایج است، استفاده از باورها و فلسفه

مناسب از استراتژی‌های کمتر شناخته شده میلیونرهای خودساخته هستند. از آنجایی که باورهای ما رفتارهای ما را دیکته می کنند، کشف باورهای افراد فوق العاده موفق به منظور ارتقاء به عادت هایی که موفقیت را ایجاد می کنند، یک استراتژی هوشمندانه و حساب شده است. راز این است که برای انجام آن باید باور داشته باشید که همه چیز ممکن است، و اکثر مردم نمی توانند باور کنند که چیزی به این قدرتمندی می تواند به این سادگی باشد. آنها با امتحان کردن چیزی برای از دست دادن ندارند، اما تفکر مبتنی بر ترس به آنها می گوید که این کار اتلاف وقت است. در همین حال، ثروتمندان بی سر و صدا به این کار ادامه می دهند.

"پول درآوردن هنر است و تجارت خوب بهترین هنر است."

— اندی وارمول

◀ منبع ثروت:

زنان باهوش و پول: هر آنچه که برای دستیابی به یک عمر امنیت مالی باید بدانید

|| سوال تفکر انتقادی:

آیا از اهرم برای افزایش ارزش خالص خود استفاده می کنید؟

◀◀ مرحله اقدام:

فهرستی از همه چیزهایی که می توانید برای ساختن ثروت خود استفاده کنید، تهیه کنید.

66

طبقه متوسط برای پول در آوردن انگیزه بیرونی دارند ... ثروتمندان برای کسب در آمد انگیزه درونی دارند

یک فرد معمولی که برای پول کار می‌کند، اگر کارفرمای آنها پرداخت را متوقف کند، دیگر سرکار حاضر نمی‌شود. بزرگان کار می‌کنند زیرا عاشق فعالیت هستند که انجام می‌دهند و کارشان یکی از لذت بخش ترین جنبه‌های زندگی آنها است. ثروتمندان در انتخاب حرفه به همان اندازه انتخاب همسر دقت می‌کنند. هنگامی که آنها اشتیاق خود را کشف می‌کنند و راهی برای کسب درآمد با انجام آن پیدا می‌کنند، کار آنها هرگز از افکار آنها دور نمی‌شود. دلیلش این نیست که آنها خیلی منظم هستند، به این علت است که از فکر کردن در مورد شغل انتخابی خود لذت می‌برند. بنابراین در حالی که طبقه متوسط ساعت پنج عصر دفتر را ترک می‌کنند و کار را فراموش می‌کنند، مجریان برتر همچنان در حال تدوین استراتژی‌ها و رویاپردازی ایده‌های جدید هستند. تفاوت در هوش یا تحصیلات نیست، بلکه در انگیزه است. در حالی که طبقه متوسط توسط نیاز بیرونی به کسب درآمد هدایت می‌شوند، ثروتمندان توسط قلب هدایت می‌شوند. وقتی کار سخت می‌شود و ناامیدی ظاهر می‌شود، افراد عادی از طریق معاشرت، سرگرمی‌ها و تعطیلات آخر هفته به دنبال پناه عاطفی می‌گردند. زمانی که بزرگان همان ناامیدی را تجربه می‌کنند، در آن فرو می‌روند و تا زمان حل مشکل ادامه می‌دهند، زیرا آنها عاشق چالش هستند. این انگیزه درونی و عاطفی در نهایت آنها را ثروتمند می‌کند، چیزی که همکاران طبقه متوسط آنها به عنوان "شانس" از آن یاد می‌کنند. چون آنچه را که دوست دارند انجام دهند را کشف می‌کنند، اغلب نتیجه تلاش آنها فوق العاده است. طبقه متوسط ترجیح می‌دهند آن را «شانس» بنامند و یا موفقیت بزرگ‌ها را

به چیزی تصادفی خارج از تلاش‌های خود وصل کنند تا خود را در همان سطح تعهد رها کنند. در این زمان، بزرگان میلیونر می‌شوند و رویاهای خود را زندگی می‌کنند.

"اگر کارتان را درست انجام دهید، پول به سمت شما می‌آید."

— خوزه سیلوا

◀ منبع ثروت:

اکنون بیشترین استفاده را از پول خود ببرید: پرفروش‌ترین کتاب کلاسیک برای اقتصاد جدید نوشته جین برایانت.

|| سوال تفکر انتقادی:

آیا کاری را که برای امرار معاش دوست دارید انجام می‌دهید؟

◀◀ مرحله اقدام:

شغل، حرفه یا کسب و کار خود را به صورت مکتوب شرح دهید.